

## هم‌گرایی نهادهای حاکمیتی در راستای تکافل اجتماعی با رویکرد اسلامی

مهدی حمزه پور

معاون پژوهشی و عضو گروه مدیریت صنعتی دانشکده معارف اسلامی و مدیریت دانشگاه امام صادق(ع)

سیدمحمد مرتضوی

کارشناس ارشد سیستم های اقتصادی اجتماعی، مؤسسه نوین پژوهان

مهشید شرافتی

کارشناس ارشد MBA پردیس بین الملل دانشگاه صنعتی شریف

### چکیده

در این مقاله ضمن بررسی ضرورت تکافل اجتماعی براساس آیات و روایات، نقش تکافل در تقویت اجتماعی و رشد اقتصادی بررسی شده است. تکافل اجتماعی شامل دو بخش تکافل عام مبتنی بر وظیفه افراد جامعه در رفع نیازهای یکدیگر و ضمان اعاله مبتنی بر وظیفه حکومت در تأمین حداقل ملزومات معاش افراد جامعه می شود که باید به طریقی تأمین مالی شود. ساز و کارهای تکافل اجتماعی را می توان در راستای وظایف بانکهای قرض الحسنه تعریف کرد.

برای اینکه این رویه حسنه بتواند ساز و کار عملیاتی و شیوه های تأمین منابع خودکار داشته باشد در این مقاله به راه حل های عملیاتی تکافل اجتماعی پرداخته می شود.

**کلیدواژه ها:** تکافل اجتماعی، تأمین مالی، قرض الحسنه.

## ۱. مقدمه

تکافل اجتماعی آن است که افراد جامعه همدیگر را ضمانت و پشتیبانی کنند، چه به صورت فردی یا به صورت جمعی، با استفاده از راهبردهای ایجابی (مثل سرپرستی یتیم) یا سلبی (مثل تحریم ربا) به انگیزه شعور و وجدان باطنی که از عمق و مبنای اعتقاد اسلامی سرچشمه می‌گیرد، تا اینکه فرد انسانی در پناه کفالت و حمایت جامعه زندگی کند و جامعه به کمک فرد بیاید، از آن حیث که همه، همدیگر را کمک می‌کنند تا جامعه برتری تشکیل شده و ضرر و آسیب افراد دفع شود (علوان، ۱۴۰۹: ص ۵۹). تکافل یک امر دو طرفه است؛ یعنی مسئولیت‌ها و تکالیفی که اعضای جامعه نسبت به هم دارند، تشریک مساعی و تعاون و معاضدت افراد یک جامعه در جهت مرتفع کردن مسائل و گرفتاری‌های فردی و اجتماعی (زاهدی اصل، ۱۳۷۱: ص ۱۴۹). نکته بسیار مهم این است که تکافل اجتماعی، که از مفاهیم دینی به راحتی قابل استنباط است، صرفاً برای برآورده کردن سه نیاز (مسکن، غذا و پوشاک) نیست، بلکه شامل تمامی نیازهای مادی و معنوی انسان می‌شود (السباعی، ۱۴۱۹: ص ۲۶).

## ۲. قرض الحسنه

یکی از روش‌هایی که در عملیات بانکی بدون ربا به عنوان روش اعطای تسهیلات در نظر گرفته شده، قرض الحسنه است. از لحاظ آیین‌نامه عملیات بانکداری بدون ربا، «قرض الحسنه عقدی است که به موجب آن قرض دهنده مقدار معینی از مال خود را به قرض گیرنده تملیک می‌کند که قرض گیرنده مثل یا در صورت امکان قیمت آن را به قرض دهنده رد کند». قرض در لغت به بریدن، قطع کردن یا قیچی کردن معنی شده و در اصطلاح فقهی آن قطع بخشی از مایملک است. فقها قرض الحسنه را در قبال برگشت اصل مال مصطلح می‌دانند در صورتی که این تعریف، همان تعریف قرض در قانون مدنی است. متأسفانه وام با اخذ مازاد در جامعه چنان مهم و مطرح است که قرض بدون ربا قرض الحسنه نام گرفته است.

در آیات متعددی در قرآن کریم قرض الحسنه ذکر شده است که همه این آیات پشت سر آیاتی هستند که در مورد انفاق، صدقه یا زکات یا قتال تکلیف می‌کنند و به صحت می‌توان این تفسیر را داشت که قرض الحسنه همان پرداخت‌های بلاعوض از مال یا جان است که به معنی لغوی قرض مال یا جان (بریدن و قطع کردن مال از خود) با صرف نظر کردن از بدن خود در قتال در راه خدا است که حسنه‌اش در آن مندرج است. در آیات ۲۴۴-۲۴۵

سوره بقره می‌فرماید:

«وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ مَن ذَلَّذِي يقرضُ اللَّهُ قَرْضًا حَسَنًا فَيضَاعِفْهُ لَهُ أَضْعَافًا كَثِيرَةً وَاللَّهُ يَقْبِضُ وَ يَبْسُطُ...»

«در راه خدا قتال کنید و بدانید که خدا شنوای داناست (به) کسی که به خدا قرض دهد قرض حسنه پس به چند برابر بر او اضافه خواهد شد و خداوند است که تنگنا یا فراخی دهنده است...».

در آیه ۱۲ سوره مائده نیز می‌فرماید:

«..قَالَ اللَّهُ إِنِّي مَعَكُمْ لَئِن أَقَمْتُمُ الصَّلَاةَ وَ آتَيْتُمُ الزَّكَاةَ وَ آمَنْتُم بِرُسُلِي وَ عَزَرْتُمُوهُمْ وَ أقرَضْتُمُ اللَّهُ قَرْضًا حَسَنًا»

«...خداوند گفت اگر نماز بپا دارید و زکات دهید و به رسولان من ایمان آورید و یاری آنها نمایید و قرض‌های حسنه به خداوند قرض دهید محققاً من با شما خواهم بود».

در آیات ۱۰ و ۱۱ سوره حدید می‌فرماید:

«وَمَا لَكُمْ أَلَّا تُنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ لِلَّهِ مِيرَاثُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ لَا يَسْتَوِي مِنْكُمْ مَن أنْفَقَ مِن قَبْلِ الْفَتْحِ وَ قَاتَلَ أُولَئِكَ أعْظَمُ دَرَجَةً مِّنَ الَّذِينَ أنْفَقُوا مِن بَعْدِ وَ قَاتَلُوا وَ كَلَّا وَ عَدَّ اللَّهُ الْحُسْنَى وَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ \* مَن ذَا الَّذِي يقرضُ اللَّهُ قَرْضًا حَسَنًا فَيضَاعِفْهُ لَهُ وَ لَهُ أَجْرٌ كَرِيمٌ»

«شما را چه می‌شود که در راه خداوند انفاق نمی‌کنید (درحالی‌که) میراث آسمان‌ها و زمین از آن خداوند است و کسی که از شما قبل از فتح انفاق و قتال کرد مساوی نیست، آنها از درجه برتری نسبت به کسانی که بعداً انفاق و قتال کردند برخوردارند و خداوند به هر دوی آنها نیکویی وعده کرده و خداوند به آنچه عمل می‌کنید آگاه است. کیست به خداوند قرضی

حسنة دهد پس بر او به چند برابر اضافه خواهد شد و برای او پاداشی بزرگ خواهد بود».

در آیه ۱۸ همین سوره می‌فرماید:

«إِنَّ الْمُصَدِّقِينَ وَالْمُصَدِّقَاتِ وَأَقْرَضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا يَضَاعَفُ لَهُمْ وَلَهُمْ أَجْرٌ كَرِيمٌ»

«همانا مردان و زنان صدقه‌دهنده و آنها که به خداوند قرض نیکویی قرض می‌دهند دو برابر

برای آنها خواهد شد و برای آنها پاداش بزرگی است».

در آیه ۲۰ سوره مزمل می‌فرماید:

«...وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَأَقْرَضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا وَمَا تَقَدَّمُوا لَأَنْفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ

عِنْدَ اللَّهِ هُوَ خَيْرًا وَأَعْظَمَ أَجْرًا...»

«...و نماز به‌پا دارید و زکات دهید و قرض دهید، به خدا قرضی حسنة و آنچه خوبی نزد خدا

کنید پیش‌تر نسبت به خودتان می‌کنید و آن خوبی و پاداش برتری است...».

به‌هرحال، با این وصف کلمه قرض‌الحسنة را از لحاظ قرآنی می‌توان به معنای ایثار مال

و جان تفسیر کرد و به‌نظر نمی‌رسد که منوط به مسما‌ی وام باشد. شاید استعمال کلمه

«وام نیک» در عبارات کمتر آسیب تشریحی به فقه وارد آورد.

### ۳. تکافل اجتماعی، قرض‌الحسنة و تأمین اجتماعی

تخصیص و تجهیز منابع در تکافل اجتماعی، قرض‌الحسنة (رایج) و تأمین اجتماعی

متفاوت است. آیین‌نامه‌های قانون بانکداری بدون ربا نیز در باب اعطای وام‌های

قرض‌الحسنة جزئیات این موضوع را ملحوظ می‌دارد که پرداخت وام قرض‌الحسنة برای

رفع احتیاجات افراد شامل هزینه‌های ازدواج، تهیه جهیزیه، درمان بیماری، تعمیرات

مسکن، کمک‌هزینه تحصیلی و کمک برای ایجاد مسکن در روستاها می‌شود.<sup>۱</sup> حتی در

این چهارچوب (قانون عملیات بانکی بدون ربا) مفهوم قرض‌الحسنة به مفاهیم مدنظر

تکافل بیشتر نزدیک است تا وام.

در مقایسه با قرض‌الحسنة رایج (وام نیک)، در تکافل کلیه منابع و خدمات مجانی

۱. بند ج ماده ۳ دستورالعمل اجرایی قرض‌الحسنة اعطایی بانک‌ها.

و بلاعوض عرضه می‌شود و نیازی به تضمین ندارد. در قرض الحسنه منابع باید به میزان قرض داده‌شده بازگردد؛ از این رو، احتیاج به تضمین دارد. در تأمین اجتماعی خود فرد برای دریافت منابع در آتیه اقدام به سپرده‌گذاری می‌کند و به عبارتی، تأمین‌کننده و مصرف‌کننده منابع، خود فرد است.

#### ۴. تکافل اجتماعی از دیدگاه اسلام

آیات متعددی که در مورد قرض الحسنه آمده است در اصل و جوب اباحه و استحباب و وظیفه تأمین مالی نیازمندان به قرض دهندگان حسنه رجوع شده است.<sup>۱</sup> در مورد وظیفه تأمین مسکن حضرت امیر در فرمان به مالک می‌فرمایند (وزارت امور اقتصادی و دارایی، ۱۳۷۱: ص ۱۷):

«به تو و همه فرمانداران امر می‌کنم که قبل از اقدام در استفاده مالیات کشور به عمران و آبادی پردازید. نخست زمین را اصلاح و آماده کنید، آنگاه به کشاورزی و درو پردازید. نخست خانه بسازید سپس در آنجا نشیمن گیرید. دوست می‌دارم که حوزه حکومت شما معمور و آباد باشد، کلبه‌های فقرا و کوخ‌های دهگانان از فروغ توانگری و نشاط روشن باشد.»

در باب تأمین نیاز به ازدواج می‌توان به شرح حکایت جوان مستمندی که خدمت حضرت امیر آوردند، اشاره کرد (کلینی، ج ۱، ۱۳۷۵: ص ۲۶۰) که حضرت از او بازخواست کردند، عرض کرد کسی به من زن نمی‌دهد و شغلی هم ندارم. حضرت رو به حاضرین فرمودند: چه شخص حاضر است به این جوان زن دهد. فردی اعلام آمادگی کرد و باز فرمودند: چه کس حاضر است به او شغل دهد و دیگری ابراز تمایل کرد. حضرت پس از مختصر تأدیبی برای انجام مراسم ازدواج و اشتغال روانه‌اش فرمودند.

۱. در آیات ۲۴۴ و ۲۴۵ سوره بقره می‌فرماید: «وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ مَنْ ذَلَّلِيَ يُقْرَضُ اللَّهُ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَاعَفُ لَهُ أَضْعَافًا كَثِيرَةً وَاللَّهُ يَقْبِضُ وَيَبْسُطُ»: در راه خدا قتال کنید و بدانید که خدا شنوای دانا است. (به) کسی که به خدا قرض دهد قرض حسنه، پس به چند برابر بر او اضافه خواهد شد و خداوند است که تنگنا یا فراخی دهنده است.

حکایت فوق می‌تواند مؤید وظیفه حکومت اسلام بر تأمین شغل آحاد افراد جامعه نیز تلقی شود.

در ارتباط با تأمین نیاز به تربیت و تعلیم و آموزش و مشاوره و راهنمایی می‌توان به فرمان حضرت به مالک اشتر رجوع کرد:

«فرماندار همچون رئیس خانواده‌ای است که عیوب اعضای خانواده را باید برای خود نقیصه و عیب بداند» (وزارت امور اقتصادی و دارایی، ۱۳۷۱: ص ۱۷).

در ارتباط با تأمین نیاز به بهداشت و درمان می‌توان تمامی مؤیدات ذکر شده در این بخش را به نحوی تأویل بر وجوب این تأمین از طرف حکومت اسلامی دانست. تأمین نیاز به پرستاری و مراقبت از کلیه افراد مستمند براساس فرمان به مالک اشتر بر عهده حاکم اسلام است:

«اما دل شکستگان تهی دست و مستمندان تیره‌بخت - همان‌هایی که پسر ابوطالب پیوسته به یاد ایشان است و همواره تیمار آنان می‌برد و غم آنان می‌خورد - ای فرماندار خداوند آنها را به دست تو سپرده و ای صاحب تاج و تخت، در حمایت تو قرار داده است. مبادا که از پرستش آن دل‌های دردمند غفلت کنی. مبادا که از تعمیر عرش خدا بی‌نصیب و محروم مانی» (وزارت امور اقتصادی و دارایی، ۱۳۷۱: ص ۳۶).

در تأمین نیاز به امداد در زمان اضطرار و مواجهه با خطر، حضرت در فرمان به مالک می‌فرماید:

«اگر در نتیجه حادثه‌ای از حوادث روزگار، زندگی بر کشاورزان مصر تباه شود، مثلاً باران از آسمان نبارد یا شط نیل از طغیان سودمندش فرو نشیند، کشتزاران خشک و بی‌آب مانده، برزگران تهی دست و ناچیز شوند، وظیفه فرمانداران است که به امرای خراج و کارمندان امور مالی درباره مصریان سفارش کنند و تاحدودی که نخست به مصلحت ملت و در درجه دوم به صلاح دولت می‌گردد از مالیات توده کسر و به دامداران تخفیف بخشد. تو همی پنداری که این تخفیف خزانه مصر را تهی خواهد ساخت و بر دولت ما زیان خواهد رساند ولی ما به مصالح عالی کشور اسلام از همگان دقیق‌تر و آشناتریم. باید تکرار کنم که: دولت ما

با تمامی وسایلی که در دست دارد، مصمم است به آبادی مملکت و آسایش رعیت پردازد و بیان آشکارترش آن است که امیرالمؤمنین با تمامی قوای خود وامدار و گروگان رفاه و آسایش ملت اسلام است» (بیدآباد، ۱۳۹۳: ص ۱۴).

وظیفه تأمین نیاز طعام و خوراک به استناد آیه ۱۸۴ سوره بقره: «بر کسانی که طاقت آن را ندارند با طعام دادن به مسکین فدیة کنند»؛ به عبارت دیگر، مالیاتی را که مستقیماً باید به بیت‌المال پردازند می‌توانند در اطعام مسکین صرف کنند. برخی کفارات را نیز اطعام مسکین تعیین فرموده‌اند مثل:

«أَوْ كَفَّارَةٌ طَعَامُ مَسَاكِينٍ»<sup>۱</sup>.

در باب وظیفه حکومت اسلام در قبال تأمین حق اعتراض و فریاد مظلوم و دفاع در مقابل متجاوز باید گفت که این وظیفه در قالب تأمین حق ناشی از آیه شریفه «أُذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتِلُونَ بِأَنفُسِهِمْ ظُلْمًا»<sup>۲</sup> است. این اجازه و رخصت تأمین نیازی است که اگر حکومت اسلام از پی برآوردن آن بر نیاید هر فردی باید به تأمین آن پردازد.

در باب وظیفه تأمین نیاز به استعانت در احقاق حق در فرمان مالک اشتر می‌فرماید:

«ای پسر حارث خدای خود را غافل مپندار که همیشه در کمین رستگاران است، فریاد بندگان را به دقت گوش کند و کوچک‌ترین مظلومه را از بزرگ‌ترین کسان صرف نظر نفرماید. می‌دانی که محبوب‌ترین صفت‌ها برای زمامدار در همه حال چیست؟ آنکه همواره در راه زندگی، میانه‌رو و متوسط باشد و عدلش مانند ابر رحمت سراسر کشور را در سایه گیرد و با جدیت تمام بکوشد که زیردستانش را راضی و خشنود سازد» (وزارت امور اقتصادی و دارایی، ۱۳۷۱: ص ۱۶).

بلکه وظیفه حکومت اسلامی تأمین نیاز به استعانت در احقاق حق به موجب آیه شریفه زیر است که فرمود: ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اطاعت کنید خدا و اطاعت کنید رسول و اولی الامر از میان خودتان را، پس اگر در چیزی نزاع داشتید به خدا و پیغمبر بازگردید.<sup>۳</sup>

۱. مائده: ۹۵؛ یا کفاره آن اطعام مسکین است.

۲. حج: ۳۹؛ به کسانی که به جنگ بر سرشان تاخت آورده‌اند و مورد ستم قرار گرفته‌اند رخصت داده شد.

۳. نساء: ۵۹: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اطِيعُوا اللَّهَ وَاطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ».

وظیفه حکومت اسلامی در تأمین ولی برای صغیر از آیه شریفه: «فَأَمَّا الْيَتِيمَ فَلَا تَقْهَرْ»<sup>۱</sup> به وضوح پیدا است. همچنین، روایت منقول از رسول اکرم (ص): من از هر مسلمانی اولی به نفس اویم. کسی که مالی به ارث نهاد برای ورثه‌اش خواهد بود و اگر دین یا فرزند صغیری باقی گذاشت من عهده‌دار آن هستم (قرضاوی، ۱۴۰۹: ص ۴۲۷).

در باب وظیفه تأمین مستمری بازنشستگی و ازکارافتادگی می‌توان به وظیفه وفاداری و رحمانیت و شفقت دینی استناد کرد. همچنین، خبری از حضرت امیرالمؤمنین (ع) مؤید این است: «پیرمردی سائل به کف عبور می‌کرد. حضرت فرمود او کیست؟ گفتند ای امیر مؤمنان نصرانی است. پس امیرالمؤمنین فرمودند تا زمانی که جوان بود از او کار کشیدید و چون عاجز گردید او را مانع شدید. از بیت‌المال به او پرداخت کنید» (حر عاملی، بی‌تا: ۴۵).

در باب تأمین نیاز به سرپرستی افراد لازم‌الحمایه حضرت امیرالمؤمنین می‌فرمایند: «مبادا یکی از شما خویشاوند خویش را محتاج و نیازمند بیند و از پای نشیند» (شهیدی، ۱۳۷۸: ص ۲۴).

مسئلاً این وظیفه عیناً به حکومت اسلامی نیز برمی‌گردد. در فرمان مالک اشتر می‌فرمایند: «ای مالک! مهربان باش و رعیت را با چشمی پرعاطفه و سینه‌ای لبریز از محبت بنگر» (وزارت امور اقتصادی و دارایی، ۱۳۷۱: ص ۱۳).

در باب تأمین نیاز به کارگشایی حضرت به مالک فرمود: «گره از کار رعیت بگشا» (وزارت امور اقتصادی و دارایی، ۱۳۷۱: ص ۱۸).

در باب وظیفه مهیا کردن شرایط مناسب برای ادای رسوم و سنن پسندیده حضرت امیر فرمود:

«ای مالک از آن قوانین و آدابی که گذشتگان اسلام از خود بازگذاشته‌اند سر باز مزن و رعیت را هرگز در پیروی و تقلید از عادات پسندیده بازمدار» (وزارت امور اقتصادی و دارایی، ۱۳۷۱: ص ۲۳).

۱. الضحی: ۹. خطاب به رسول اکرم (ص) می‌فرماید: «پس یتیم را مران».



## ۵. راهبردهای حمایت و کفالت

برنامه‌های تأمین اجتماعی غالباً سه راهبرد اصلی زیر را در پیش می‌گیرند:

**الف- راهبردهای بیمه‌ای:** این راهبردها مبتنی بر اشتغال افراد جامعه بوده و شامل بیمه‌های اجتماعی، صندوق‌های احتیاط و مسئولیت کارفرما می‌شود. براساس این راهبرد نظام بیمه‌ای افرادی را تحت پوشش و کفالت قرار می‌دهد که شاغل هستند. نظام بیمه‌ای در این بخش غالباً شامل دو قسم بیمه‌های سنتی و بیمه‌های تکافل نیز می‌شود. در بیمه‌های سنتی، بیمه راهکاری برای انتقال ریسک است که براساس آن یک نهاد یا سازمان عدم اطمینان و ابهام را با قطعیت و اطمینان معاوضه می‌کند. یک طرف موافقت می‌کند مبلغ معینی را به‌عنوان حق بیمه پردازد و در مقابل، شرکت بیمه تعهد می‌کند هرگونه خسارتی که در محدوده شرایط بیمه‌نامه اتفاق افتاد را جبران کند. برخی از فقها به این ویژگی بیمه که در آن خسارت معینی با خسارت نامعینی معاوضه می‌شود، اشکال گرفته‌اند و آن را جزو مصادیق «غرر» دانسته‌اند که در فقه مجاز دانسته نمی‌شود (صدر، ۱۳۷۷: ص ۸). برای حل این مشکل، در بیمه‌های تکافل اصولاً هیچ انتقال ریسکی بین بیمه‌گر و بیمه‌گذاران اتفاق نمی‌افتد. ریسک‌ها براساس ضمانت متقابل بین شرکت‌کنندگان تقسیم می‌شود. در این طرح، عامل (بیمه‌گر) وظیفه دارد حق بیمه شرکت‌کنندگان را جمع‌آوری کند و در صورت وقوع خسارت برای هر یک از اعضا غرامت مناسبی به او پردازد.

در طول سالیان اخیر، شرکت‌های متعددی بر پایه تکافل در کشورهای اسلامی و غیراسلامی تشکیل شده‌اند. در این شرکت‌ها براساس مدل‌های مختلف، قراردادهای تکافل با عامل یا بیمه‌گر بسته می‌شود. قرارداد تکافل مهم‌ترین تفاوت بیمه‌های تکافل و بیمه‌های سنتی است. نامعلوم بودن و نامشخص بودن جزء ماهیت ریسک است و در مبحث معاملات در فقه اسلام نیز اگر موضوع معامله نامشخص باشد، عقد باطل خواهد بود؛ بنابراین، قرارداد تکافل نباید «قرارداد فروش» باشد. ابهام و نامعلوم بودن نباید در هیچ‌یک از اجزای قرارداد تکافل وجود داشته باشد. این اجزاء شامل قیمت، روش، مبلغ

و زمان پرداخت بین دو طرف معامله، شرایط قرارداد و موارد مشابه است. در حالت کلی مدل عملیاتی واحدی برای شرکت‌های تکافل وجود ندارد، به طوری که هر کشوری مدل پیشنهادی خود را دارد. اما مهم‌ترین مدل‌های ارائه‌شده در این زمینه شامل مدل‌های مضاربه، وکالت و مدل‌های ترکیبی است (Khan, 2008: p 48).

**قرارداد مضاربه (تقسیم سود):** این قرارداد بین تأمین‌کننده سرمایه و مدیریت سرمایه منعقد می‌شود که براساس آن سود حاصل از عملیات براساس نسبت معین یا درصد مشخصی بین دو طرف تقسیم می‌شود. در این قرارداد تأمین‌کننده سرمایه تمامی خسارت‌های احتمالی را متحمل می‌شود. در قرارداد تکافل براساس مدل مضاربه، شرکت‌کنندگان (بیمه‌گذاران) سرمایه را در اختیار عامل تکافل (بیمه‌گر) قرار می‌دهند. این مدل بیشتر در کشورهای جنوب شرق آسیا (مالزی، اندونزی، ...) مورد عمل قرار می‌گیرد.

**قرارداد وکالت (نماینده‌گی):** در این قرارداد یک طرف به طرف دیگر اجازه می‌دهد به نمایندگی از او فعالیت کند. این اعطای نمایندگی می‌تواند برای انجام دادن یک کار معین باشد یا اینکه قرارداد نمایندگی به صورت کلی اعطا شود. وکیل یا نماینده می‌تواند برای انجام دادن فعالیت موردنظر تقاضای مبالغ معینی کند (این مبلغ در بیمه‌های سنتی حق بیمه نامیده می‌شود). این مدل برای بیشتر محصولات بیمه‌های تکافل مناسب است.

**مدل ترکیبی:** این مدل در واقع ترکیب بین مدل‌های وکالت و مضاربه است و عمدتاً در کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس به کار گرفته می‌شود.

**ب- راهبردهای حمایتی:** این راهبردها براساس تابعیت یا اقامت شهروندان به صورت همگانی است و شامل مساعدت اجتماعی و خدمات اجتماعی نیز می‌شود. این نظام عمدتاً به اعتبارات دولتی (بودجه عمومی) وابسته است و دایره وسعت آن دربرگیرنده اقشار آسیب‌پذیر می‌شود.

**ج- راهبردهای امدادی:** این راهبردها، شامل کمک‌های دولتی، مردمی و گاه بین‌المللی در ارتباط با حوادث و بلایای طبیعی مانند سیل، زلزله، آتش‌سوزی‌های وسیع و بلایای غیرطبیعی، همانند جنگ، انفجارهای شیمیایی و اسکان پناهندگان است (پناهی، ۱۳۷۶: ص ۲۹).

## ۶. هم‌گرایی بانک قرض‌الحسنه و نهادهای حمایتی

نظام حمایتی علی‌القاعده باید افراد آسیب‌پذیر جامعه را که به دلایل مختلف قادر به تأمین معیشت خود و خانواده تحت پوشش نیستند، نیز تحت پوشش قرار دهد. در حال حاضر در ایران، سازمان بهزیستی و کمیته امداد امام خمینی بار اصلی حمایت از افراد آسیب‌پذیر جامعه را برعهده دارند. مسئولیت‌ها و وظایف این نهادها در راستای تجهیز و تخصیص منابع به منظور تکافل اجتماعی است.

از آنجاکه بانک‌ها و مؤسسات قرض‌الحسنه به صورت تخصصی به تأمین مالی نیازمندان جامعه می‌پردازند و این خود از اقسام تکافل و مساعدات اجتماعی است و از سوی دیگر، فعالیت‌های نهادهای حمایتی همچون سازمان بهزیستی و کمیته امداد امام خمینی نیز در همین راستا است؛ از این رو، در این قسمت به منظور هم‌گرایی بانک‌ها و مؤسسات قرض‌الحسنه و نهادهای حمایتی در حوزه تکافل اجتماعی تلاش شده است مدلی جهت تسهیل مسیر تکافل اجتماعی ارائه شود.

بر اساس این مدل، حمایت‌های مردمی و کمک‌های دولتی و سایر جوهی که به حساب نهادهای حمایتی واریز می‌شود، در صندوقی به نام صندوق تکافل نزد بانک قرض‌الحسنه جمع می‌شود. بانک قرض‌الحسنه نیز، وجوه را از مشتری دریافت و نهادهای حمایتی بانک را در به‌کارگیری این سپرده‌ها در سرمایه‌گذاری وکیل خود قرار می‌دهد و رابطه حقوقی بانک و مشتری (سپرده‌گذار) بر اساس عقد وکالت برقرار می‌شود. بانک‌ها وجوه سپرده را به وکالت از طرف مشتری در معاملات و اعطای تسهیلات مالی بانکی سرمایه‌گذاری و به کار می‌گیرند و در نتیجه سود حاصل ناشی از انجام معامله پس از کسر کارمزد متعلق به صندوق سهامداران است. با توجه به مطالب ذکر شده، در این سیستم بانک امین مشتری بوده و لازم است رعایت صرفه و صلاح موکلین خود را در اعطای تسهیلات و انجام معاملات و سرمایه‌گذاری اعمال کنند. در این سیستم منابع افراد خیر نزد بانک متمرکز می‌شود و دستور پرداخت از طرف فرد یا نهاد خیر صادر می‌شود و بانک موظف به پرداخت به فرد لازم‌الحمایه است. از آنجاکه ورود و خروج

پول در راستای تکافل اجتماعی از طریق بانک قرض‌الحسنه و با نظارت نهادهای امین و حمایت‌کننده صورت می‌گیرد؛ کارایی و بهره‌وری نهادهای خیریه افزایش و فساد اداری به‌نحو چشمگیری کاهش خواهد یافت.

## ۷. نتیجه‌گیری

در تکافل اجتماعی سپرده‌گذاران خیر اعم از خصوصی و دولتی می‌توانند منابع خود را با عقود مشارکتی برای امور خیریه یا عام‌المنفعه نزد بانک یا مؤسسات قرض‌الحسنه سپرده‌گذاری کنند تا بانک و مؤسسه قرض‌الحسنه منافع یا اصل، یا اصل و منافع سپرده‌گذاری را از طریق حواله نهادهای خیریه و سازمان‌های حمایتی یا به تقاضای خود شخص خیر به‌طور بلاعوض در اختیار افراد ضعیف لازم‌الحمایه یا خانواده آنان قرار دهد. علاوه بر سپرده‌گذاران، کلیه اشخاص، نهادها، مراجع مذهبی، مؤسسات، مراکز دینی، دولت، مؤسسات و سازمان‌های دولتی یا وابسته به دولت، سازمان‌های غیردولتی (NGO)<sup>۱</sup> می‌توانند با تخصیص منابع در اختیار خود از قبیل یارانه‌های هدفمند، کفاره، زکات، خمس، انفاق، وقف، وصیت، اموال میت، دیه جنایت بر میت، غنایم، نذورات، قربانی، فدیة، خراج، ارث بلاوارث، جزیه، اموال مجهول‌المالک، انفال و رکاز، برّ و احسان، جریمه مالی محکومان، مصادره اموال غیرمشروع، قاجاق و ربا و سایر موارد مشابه در چهارچوب مقررات و آیین‌نامه اجرایی بانکداری مشارکت در سود و زیان به تکافل عام یا ضمان اعاله اقدام کنند.

تجهیزکنندگان منابع می‌توانند از بانک درخواست کنند تا اصل منابع تخصیصی آنها یا منافع آن به افراد، اشخاص یا گروه موردنظر تجهیزکننده تخصیص یابد. بانک موظف است در این رابطه تمهیدات اجرا و پرداخت لازم را فراهم آورد. بانک موظف می‌شود تا گزارش سالیانه عملکرد منابع موضوع این ماده را به تجهیزکنندگان منابع ارائه کند و از طرفی، بانک موظف است در صورت درخواست تجهیزکنندگان ریز اطلاعات پرداخت‌ها

1. Non-Governmental Organization(NGO)

و دریافت کنندگان منابع را به تجهیزکنندگان منابع ارائه کند. اطلاعات ارائه شده باید به گونه‌ای باشد که امکان بازرسی تک تک پرداخت‌ها برای تجهیزکنندگان فراهم باشد. نهادهای خیریه و سازمان‌های حمایتی می‌توانند دارای شخصیتی حقوقی اعم از خصوصی یا دولتی یا مشترک باشند. بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران با مشورت با سازمان بهزیستی و سازمان اوقاف و امور خیریه، آیین‌نامه اجرایی نحوه فعالیت نهادهای خیریه و سازمان‌های حمایتی را در ارتباط با مفاد تکافل اجتماعی تدوین، و به تصویب مراجع ذیصلاح می‌رساند. سازمان اوقاف و امور خیریه نیز آیین‌نامه تکمیلی وقف دارایی‌های مالی اعم از ملموس و غیرملموس موضوع تکافل اجتماعی را تهیه و به تصویب مراجع ذیصلاح می‌رساند. سازمان بهزیستی کشور موظف می‌شود تا آیین‌نامه اجرایی رویه‌های شناسایی، پوشش حمایتی، پرداخت و نظارت بر پرداخت موارد مشمول تکافل عام و ضمان اعاله را با مشاوره با بانک مرکزی تدوین و به تصویب مراجع ذیصلاح برساند.

اقتشار ضعیف و محرومان مشمول تکافل عام و ضمان اعاله موضوع تکافل اجتماعی که از عهده تأمین معاش اولیه خود و خانواده خود بر نمی‌آیند شامل افراد و خانواده‌های نیازمند، مسکین، تهی دست، مضطر، وامانده و درمانده، ورشکسته، مستمند، بیمار، نابینا، معلول یا فاقد عضو، مجنون، عقب‌افتاده ذهنی، بیمار روانی، سفیه، ازپافتاده، زمین‌گیر، سالمند، بی‌سرپرست، آواره، اسیر، زندانی، تبعیدی، درراه‌مانده، صغیر، یتیم، یسیر، بچه سرراهی، کودک بی‌سرپرست (اعم از بی‌سرپرستی موقت یا مستمر)، سالخورده، مقروض، خسارت‌دیده، دچار سانحه یا حوادث قهریه شده، افراد مشمول دیه غیرعمد یا با ضارب ناشناخته یا ناتوان از پرداخت دیه، افراد واجب‌النفقة بدون نفقه و خانواده‌های بدون سرپرست یا با سرپرست زن (اعم از اینکه مطلقه شده یا متارکه کرده باشد یا شوهر یا نان‌آور فوت، مفقود، متواری، زندانی، تبعیدی، فراری، سرباز، مهجور، محجور یا یکی از مصادیق مذکور) و سایر موارد مشابه و کلیه افرادی می‌شود که مشمول دریافت فطریه، زکات، کفارات و صدقات هستند. تأمین حداقل‌ها به صورت پرداخت یک‌باره و مستمر

می‌تواند از طرف بیمه‌های تکافل اجتماعی صورت پذیرد.

نهادهای خیریه و سازمان‌های حمایتی نمی‌توانند درباره دریافت منافع یا اصل، یا اصل و منافع سپرده‌گذاری رأساً اقدام کنند و موظف‌اند از طریق صدور برات یا حواله و ارسال آن به بانک ترتیبات لازم برای پرداخت وجه به افراد لازم‌الحمایه یا خانواده‌های آنان را فراهم کند. از طرفی، بانک و نهادهای خیریه و سازمان‌های حمایتی هرکدام به‌طور مجزا موظف‌اند پرداخت‌های حمایتی را به نحوی که آسیبی به حیثیت حمایت‌شوندگان وارد نیاید در وب‌گاه خود افشا کنند. همچنین، بانک و نهادهای خیریه و سازمان‌های حمایتی که از زیرسیستم تکافل اجتماعی استفاده می‌کنند موظف می‌شوند تا هرکدام به‌طور مجزا گزارش تفصیلی عملکرد سالیانه خود را به ریاست جمهور، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، سازمان بازرسی کل کشور، شورای عالی راهبردی سازمان بهزیستی کشور و شورای عالی اوقاف ارائه کنند؛ از سوی دیگر، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و سازمان بازرسی کل کشور هرکدام جداگانه موظف می‌شوند تا با ایجاد تمهیدات مناسب نحوه عملکرد بانک و نهادهای خیریه و سازمان‌های حمایتی را بررسی و به ریاست جمهور گزارش، و در صورت مشاهده تخلف اقدام قانونی کنند. بانک در ارتباط با ارائه این خدمت فقط می‌تواند هزینه ارزیابی و نظارت دریافت کند و مجاز به دریافت سود نیست.

## کتاب نامه

۱. السباعی، مصطفی. ۱۴۱۹ قمری. التكافل الاجتماعی فی الاسلام. بیروت. المكتب الاسلامی.
۲. بیدآباد، بیژن. ۱۳۹۳. تحلیل فقهی اقتصادی انواع بیمه و ویژگی های شیوه حکومت اسلامی. سخنرانی در هشتمین همایش دوسالانه اقتصاد اسلامی.
۳. پناهی، بهرام. ۱۳۷۶. اصول و مبانی تأمین اجتماعی. تهران. انتشارات موسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی.
۴. حر عاملی، محمد بن حسن. بی تا. وسائل الشیعه. جلد ۱. قم. آل البیت.
۵. زاهدی اصل، محمد جواد. ۱۳۷۱. مقدمه ای بر خدمات اجتماعی در اسلام. تهران. انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی.
۶. صدر، محمد باقر. ۱۳۷۷. اقتصاد برتر. ترجمه علی اکبر سیبویه. تهران. نشر میثم.
۷. علوان، ناصح. ۱۴۰۹. التكافل الاجتماعی فی الاسلام. مصر. انتشارات دارالسلام.
۸. قرضاوی، یوسف. ۱۴۰۹ ق. الحلال و الحرام فی الاسلام. جلد ۱. با تعلیق حسن محمدتقی جواهری. تهران. سازمان تبلیغات اسلامی.
۹. کلینی، محمد بن یعقوب. ۱۳۷۵. اصول کافی. جلد ۱. ترجمه محمدباقر کمره ای. قم. اسوه.
۱۰. نهج البلاغه. ۱۳۷۸. ترجمه جعفر شهیدی. چاپ پانزدهم. تهران. شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
۱۱. وزارت امور اقتصادی و دارایی. ۱۳۷۱. فرمان حضرت علی (ع) به مالک اشتر. تهران. روابط عمومی وزارت امور اقتصادی و دارایی.
12. Khan, Mohammad. 2008. Takaful: Growth opportunities in a dynamic market. Price water house Coopers.

